

## Family Structure, Parental Monitoring and Affiliation with Delinquent Peers among Male Delinquent and Non-Delinquent Adolescents

Ali Mohammad Nazari, Sajad Aminimanesh,  
Ali Shahini

## ساختار خانواده، نظارت والدین و همنشینی با همسالان بزهکار در نوجوانان پسر بزهکار و بهنجار

علی محمد نظری<sup>۱</sup>، سجاد امینی منش<sup>۲</sup>، علی شاهینی<sup>۳</sup>

پذیرش نهایی: ۹۲/۲/۳۱

پذیرش اولیه: ۹۱/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۱۲

### Abstract

The aim of the current study was to investigate and compare the family structure, parental monitoring and affiliation with delinquent peers among the male delinquent and non-delinquent adolescents. It has also considered the interactions between these factors. In this Cross-sectional study, 96 delinquent adolescents and 91 non-delinquent adolescents, chosen through a convenient sampling in Tehran, completed family structure, parental monitoring and affiliation with delinquent peers questionnaires. Data was analyzed using independent sample T-test, Chi square test and Pearson correlation coefficient. Given the results of the independent sample T-test, the two groups were significantly different in terms of parental monitoring and affiliation with delinquent peers. Using Chi square test, the findings revealed that there was a significant difference between the delinquent and non-delinquent adolescents in terms of family structure. Moreover, adolescents in broken families in comparison to the adolescents in intact families reported less monitoring by their parents. The results obtained from the current study were in line with the results of the previous research and showed that distress in family structure, that weak parental monitoring and that affiliation with delinquent peers had a significant role in the delinquency phenomenon. Therefore, it seems necessary to consider these factors as the influential factors promoting delinquency.

**Keywords:** Delinquency, Family Structure, Parental Monitoring, Affiliation with Delinquent Peers.

### چکیده

بررسی و مقایسه ساختار خانواده، نظارت والدین و همنشینی با همسالان بزهکار در دو گروه بزهکار و بهنجار هدف پژوهش حاضر بود. همچنین رابطه متقابل این عوامل با یکدیگر مورد توجه قرار گرفته است. در این پژوهش مقطعی ۹۶ نفر از نوجوانان بزهکار و ۸۷ نفر از نوجوانان بهنجار در تهران به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسشنامه‌های ساختار خانواده، نظارت والدین و همنشینی با همسالان بزهکار را تکمیل کردند. داده‌ها به کمک آزمون t برای گروه‌های مستقل، آزمون خی دو و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شدند. با توجه به نتایج آزمون t برای گروه‌های مستقل دو گروه از نظر نظارت والدین و همنشینی با همسالان بزهکار تفاوت معنی‌داری را نشان دادند. همچنین نتایج آزمون خی دو نشان داد بین دو گروه بزهکار و بهنجار از نظر ساختار خانواده تفاوت معنی‌داری وجود دارد. به علاوه نوجوانان متعلق به خانواده‌های گسسته در مقایسه با نوجوانان خانواده‌های پیوسته نظارت کمتری را از سوی والدین خود گزارش کردند. نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های پژوهش‌های قبلی بود و نشان داد که آشفتگی در ساختار خانواده، نظارت ضعیف والدین و همنشینی با همسالان بزهکار نقشی مهم در پدیده بزهکاری دارند. لذا توجه به این عوامل به عنوان عوامل زمینه‌ساز بزهکاری ضروری به نظر می‌رسد.

**کلیدواژه‌ها:** بزهکاری، ساختار خانواده، نظارت والدین، همنشینی با همسالان بزهکار.

۱. (نویسنده مسئول)، دانشیار دانشگاه خوارزمی تهران، Amnazari@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی

۳. کارشناس ارشد حقوق، دانشگاه پیام نور شاهرود.



## مقدمه

و سیکموند<sup>۵</sup>، ۲۰۰۶) و در روسیه نیز تنها در سال ۲۰۰۱، ۱۹۰۰۰ نوجوان به زندان فرستاده شدند (کوپوسوف و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۶). در حالی که در آلمان خشونت علیه نژادهای غیرآلمانی موجب نگرانی شده است، در بریتانیا ظهور پدیده ی اوباش‌گری<sup>۷</sup> طی بازی‌های فوتبال به مسأله‌ای مهم تبدیل شده و حتی در ژاپن نیز زورگویی و خشونت در مدارس افزایش یافته است (ژوست<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳).

مطالعه ی ادبیات پژوهشی بزهکاری نقش عوامل مهمی را برجسته می‌کند که خانواده و گروه همسالان در رأس آن‌ها قرار دارند (پیرس و هاین<sup>۹</sup>، ۲۰۰۴؛ برندگن و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۰). در میان متغیرهای خانوادگی، نظارت والدین<sup>۱۱</sup> به‌عنوان یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی به‌وجود آمدن و بقای بزهکاری و یا رفتار ضداجتماعی در کودکان و نوجوانان شناخته شده است (سینگر و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۴).

نظارت والدین به میزان سخت‌گیری معیارهای ارائه شده از سوی والدین اشاره دارد (بیابانگرد، ۱۳۸۴) و عموماً برحسب میزانی تعریف می‌شود که والدین می‌دانند نوجوان‌شان در زمان‌هایی که با او نیستند، کجا به سر می‌برد و اوقاتش را چگونه سپری می‌کند (رومرو و روئیز<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۷). از والدین انتظار می‌رود که بدانند فرزندان‌شان کجا حضور دارند، چه کاری انجام می‌دهند، و دوستان آن‌ها چه کسانی هستند (لیرد و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۳). نظارت والدین یک عامل حمایت‌کننده در مقابل بزهکاری است (کروسنو و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۴)؛ به‌گونه‌ای که پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند نظارت ضعیف والدین با افزایش سطوح بزهکاری همراه است (برندگن و همکاران، ۲۰۰۰؛ رومرو و روئیز، ۲۰۰۷)؛

نوجوانی مرحله‌ی انتقالی بین کودکی و بزرگسالی است که طی آن فرد با مسائل رشدی متفاوت و پیچیده‌ای روبرو می‌شود. صرف‌نظر از دوره‌ی نوزادی، در هیچ دوره‌ای از زندگی تغییراتی به اندازه دوره‌ی نوجوانی در فرد روی نمی‌دهد (بیابانگرد، ۱۳۸۴). علاوه بر این مسأله که نوجوانی دوره ی رشد جسمانی، روانی و اجتماعی است، متأسفانه این دوره می‌تواند زمانی برای به‌وجود آمدن تهدیدهای متعددی باشد که سلامت و بهزیستی نوجوانان را تهدید می‌کنند (دی‌کلمنته و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۰۱). در این دوره با ضعف شدن نظارت والدین و گسترش روابط با گروه‌های مختلف همسالان، فشارهای اجتماعی ایجاد می‌شود (علی‌وردی‌نیا و همکاران، ۱۳۸۷).

نوجوانی نیز مانند سایر دوره‌های زندگی دارای مشکلات خاص خود است که از نظر شدت تأثیرگذاری و نوع آسیب با یکدیگر متفاوت هستند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۴). از جمله این مشکلات می‌توان به بزهکاری<sup>۲</sup> اشاره کرد. بزهکاری رایج‌ترین نامی است که برای رفتارهای مجرمانه نوجوانان مورد استفاده قرار گرفته است و رفتارهای گوناگونی چون فرار از منزل، دزدی، روسپیگری، قاچاق و نظایر آن را در بر می‌گیرد (مارت<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸).

به‌طور خلاصه بزهکاری نوجوانان را می‌توان نقض معیارهای قانونی توسط نوجوانان تعریف کرد (نازکتبار و همکاران، ۱۳۸۵). بزهکاری نوجوانان از مشکلات اساسی بسیاری از جوامع است که به‌علت آسیب‌ها و خسارت‌هایی که در زندگی قربانیان و بزهکاران و در مقیاس وسیع‌تر، جامعه بر جای می‌گذارد، سبب ایجاد نگرانی فراوان از سوی نهادهای مختلف شده است (ناس و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵).

نگاهی به آمارهای موجود لزوم این نگرانی را خاطر نشان می‌سازد. در سال ۲۰۰۶، ۱/۶۲۶ میلیون نوجوان در ایالات متحده دستگیر شده‌اند (اسنایدر

5. Snyder & Sickmund

6. Kuposov et al.

7. Hooliganism

8. Jost

9. Pearce & Haynie

10. Brendgen et al.

11. Parental monitoring

12. Singer et al.

13. Romero & Ruiz

14. Laird et al.

15. Crosnoe et al.

1. DiClemente et al.

2. Delinquency

3. Mart

4. Nas et al.



همکاران، ۱۳۸۷؛ شوماخر، ۲۰۰۹؛ شوماخر، ۲۰۱۰؛ پاسکال و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۳؛ ایتل<sup>۱۳</sup>، ۲۰۰۶؛ زیمرمان<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۶؛ چنگیزی، ۱۳۸۶)، می تواند به نظارت اندک والدین (ژوست، ۲۰۰۳؛ دی موث و براون، ۲۰۰۴؛ دهقانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ شوماخر، ۲۰۰۹؛ شوماخر، ۲۰۱۰) و همنشینی با همسالان بزهکار نیز منجر شود (پاسکال و همکاران، ۲۰۰۳). همنشینی نوجوان با همسالان بزهکار شامل ارتباط با همسالانی است که رفتارهایی از قبیل حمل سلاح، آسیب رساندن به دیگران، شرکت در درگیری و سوء مصرف الکل و مواد مخدر را مرتکب می شوند (پاسکال و همکاران، ۲۰۰۳). با توجه به نظریه ی یادگیری اجتماعی، ارتباط نوجوانان با گروه های همسال بزهکار می تواند در بروز رفتارهای نابهنجار از سوی آن ها تأثیرگذار باشد (ملدرام و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۹). مطالعات انجام شده در این زمینه نیز ارتباط بین همنشینی با همسالان بزهکار و بروز رفتارهای بزهکارانه از سوی نوجوانان را گزارش کرده اند (بیبانگرد، ۱۳۸۴؛ برندگن و همکاران، ۲۰۰۰؛ هیلبرون و همکاران، ۲۰۰۵؛ پاسکال و همکاران، ۲۰۰۳؛ کوپین، ۲۰۰۴). البته بسیاری از این پژوهش ها با استفاده از روش غیرمستقیم انجام شده اند که در مقایسه با روش مستقیم اندازه اثر بیشتری را نشان می دهد. در روش مستقیم همسالان بزهکار شناسایی شده و اطلاعات مستقیماً از آن ها به دست می آید؛ در حالی که اندازه گیری سنتی و غیر مستقیم رفتارهای همسالان مبتنی بر ادراک پاسخ دهنده ها از رفتار همسالان شان است و افراد ممکن است رفتارهای خود را به همسالان شان نسبت دهند (ملدرام و همکاران، ۲۰۰۹).

نظر به این که در کشورهای در حال توسعه ای چون ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته، نوجوانان درصد بالاتری از افراد جامعه را به خود اختصاص می دهند، توجه به نسل جوان در این کشورها، از اهمیت بیشتری برخوردار است (نقدی،

ثرونبری و کرون<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳؛ هیلبرون و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵؛ کالدول و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۶؛ مک شین و ویلیامز<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷).

نظارت والدین با عوامل متعددی در ارتباط است که از آن جمله می توان به فقر مالی و فرهنگی و شاغل بودن هر دو والدین اشاره کرد (زان<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). همچنین پایین بودن نظارت والدین ممکن است پیامد گسستگی ساختار خانواده<sup>۶</sup> باشد (ژوست، ۲۰۰۳؛ دی موث و براون<sup>۷</sup>؛ ۲۰۰۴؛ دهقانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ شوماخر<sup>۸</sup>، ۲۰۰۹؛ شوماخر، ۲۰۱۰)؛ از سوی دیگر نظارت اندک والدین می تواند منجر به همنشینی نوجوان با همسالان بزهکار<sup>۹</sup> شود که هریک از این عوامل نیز با بزهکاری بزهکاری در ارتباط هستند (برندگن و همکاران، ۲۰۰۰؛ برانت<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶).

از سوی دیگر پژوهش ها نشان داده اند شیوع بزهکاری نوجوانان در خانواده های دو-والدی بسیار کمتر از خانواده های تک-والدی است (ژوست، ۲۰۰۳). طلاق و مرگ والدین، عوامل اصلی زمینه ساز آشفتگی ساختار خانواده هستند که رخ دادن آن ها با حذف یکی از والدین همراه است و بنابراین کارکردها و مسئولیت های دیگر افراد خانواده باید به گونه ای تغییر کند که بتواند جای خالی او را پر کند. چنانچه این فرایند به درستی اتفاق نیفتد، خانواده دچار آشفتگی شده و در نتیجه زمینه ی بروز ناهنجاری ها در اعضا فراهم می شود (کوئن<sup>۱۱</sup>، ۱۳۸۴)؛ هرچند بافت جامعه ای که این گسستگی در آن رخ می دهد هم از اهمیت بالایی برخوردار است (شوماخر، ۲۰۰۹). گسستگی در ساختار خانواده، به ویژه اگر در اثر طلاق رخ دهد، علاوه بر افزایش احتمال بزهکاری (ثرونبری و کرون، ۲۰۰۳؛ دی موث و براون، ۲۰۰۴؛ دهقانی و

1. Thornberry and Krohn

2. Heilbrun et al.

3. Caldwell et al.

4. McShane & Williams

5. Zahn

6. Family structure

7. Demuth and Brown

8. Shoemaker

9. Affiliation with delinquent peers

10. Brandt

11. Coen

12. Paschal et al.

13. Eitle

14. Zimmermann

15. Meldrum et al.



سؤال در رابطه با تنبیه شدن از سوی والدین به ۶ سؤال اصلی اضافه کردند. مقیاس لیکرت این پرسشنامه ۴ گزینه‌ای از نمره ۰ برای گزینه "هیچ وقت" (مهم نیست) تا نمره ۳ برای "همیشه" (خیلی مهم است)، متغیر است. سینگر و همکاران در پژوهش خود آلفای کرونباخ ۰/۷۶ را برای این پرسشنامه گزارش کردند (سینگر و همکاران، ۲۰۰۴).

نسخه‌ی انگلیسی پرسشنامه پس از ترجمه به زبان فارسی، جهت اطمینان از صحت ترجمه به زبان انگلیسی برگردانده شد و پس از اصلاحات لازم، نسخه‌ی نهایی آماده شد. برای اطمینان از قابلیت استفاده از پرسشنامه پایایی بازآزمایی آن محاسبه شد و داده‌های حاصل از دو بار اجرای پرسشنامه روی گروه ۲۶ نفره از نوجوانان، با فاصله دو هفته مورد استفاده قرار گرفت. با توجه به نتایج حاصل، ضریب پایایی بازآزمایی پرسشنامه ۰/۷۵ به دست آمد. آلفای کرونباخ پرسشنامه برای دو گروه بزهکار و بهنجار نیز به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۲ به دست آمد.

۲. پرسشنامه‌ی همنشینی با همسالان بزهکار<sup>۳</sup> (ADPS): همنشینی با همسالان بزهکار با استفاده از یک مقیاس ۸ سؤالی اندازه‌گیری شد. این مقیاس توسط پاسکال و همکاران (۲۰۰۳) طراحی شده و سؤالات آن درباره‌ی ارتباط نوجوانان با همسالانی است که رفتارهایی چون سوءمصرف الکل و مواد مخدر، شرکت در نزاع و حمل سلاح را نشان می‌دهند. مقیاس این پرسشنامه ۵ گزینه‌ای از نمره ۰ برای "هیچ کدام از دوستان" تا نمره ۴ برای "همه دوستان" متغیر است. نمره بالاتر نشان‌دهنده همنشینی بیشتر با همسالان بزهکار است. این پرسشنامه نیز پس از ترجمه بر روی یک گروه ۲۶ نفره اجرا شد و پایایی بازآزمایی آن ۰/۸۰ به دست آمد. آلفای کرونباخ پرسشنامه نیز در دو گروه بزهکار و بهنجار به ترتیب ۰/۸۴ و ۰/۸۸ به دست آمد.

۳. پرسشنامه‌ی جمعیت‌شناختی: این پرسشنامه خودگزارشی شامل سؤالاتی در مورد سن آزمودنی‌ها

از آن‌جا که انجام اقدامات درمانی و پیشگیرانه در خصوص بزهکاری، مستلزم شناسایی دقیق علل آن است انجام تحقیق پیرامون این عوامل ضروری به نظر می‌رسد. لذا این مطالعه در پی پاسخ‌گویی به این مسأله است که آیا بین نوجوانان بزهکار و بهنجار از نظر نظارت والدین، ساختار خانواده و همنشینی با همسالان بزهکار، تفاوت معنی‌داری وجود دارد؟ همچنین روابط متقابل این سه عامل نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

## روش

مطالعه‌ی حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل نوجوانان پسر ۱۳ تا ۱۸ ساله استان تهران بود که به دو جامعه کوچک‌تر تقسیم شد. گروه اول نوجوانان بزهکار ساکن کانون اصلاح و تربیت و گروه دوم نوجوانان بهنجار بودند. نمونه‌ی تحقیق شامل ۹۶ نوجوان بزهکار و ۹۱ نوجوان بهنجار بود که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. شرط ورود به مطالعه برای گروه بزهکار، ارتکاب رفتار بزهکارانه و حضور در کانون اصلاح و تربیت تهران بود. به این صورت که پس از مراجعه محقق به کانون اصلاح و تربیت، نوجوانانی که از سواد کافی برخوردار و مایل به همکاری در پژوهش بودند در پژوهش شرکت کردند. گروه بهنجار نیز از میان نوجوانانی انتخاب شد که مطابق پرسشنامه سابقه محکومیت و حضور در کانون اصلاح و تربیت را نداشتند. در انتخاب آزمودنی‌های بهنجار و بزهکار سعی شد دو گروه از نظر محل سکونت مشابه باشند.

## ابزار

۱. پرسشنامه‌ی نظارت والدین<sup>۱</sup> (PMS): در این پژوهش نظارت والدین با استفاده از یک پرسشنامه ۷ سؤالی اندازه‌گیری شده است. نسخه ابتدایی این پرسشنامه در قالب ۶ سؤال توسط فلانری و همکاران<sup>۲</sup> مورد استفاده قرار گرفته و آلفای کرونباخ ۰/۷۷ برای آن گزارش شده است (سینگر و همکاران، ۲۰۰۴). سینگر و همکاران<sup>(۲۰۰۴)</sup> یک

1. Parental Monitoring Scale

2. Flannery et al.

3. Affiliation with Delinquent Perrs Scale



جدول ۱. توزیع فراوانی جرم در آزمودنی‌های بزهکار

| جرم             | تعداد | درصد |
|-----------------|-------|------|
| قتل             | ۵     | ۵/۲  |
| سرقت            | ۴۳    | ۴۴/۸ |
| قاچاق مواد مخدر | ۱۶    | ۱۶/۷ |
| نزاع            | ۱۶    | ۱۶/۷ |
| تجاوز           | ۴     | ۴/۲  |
| سایر جرائم      | ۷     | ۷/۳  |
| جرائم متعدد     | ۵     | ۵/۲  |
| مجموع           | ۹۶    | ۱۰۰  |

وضعیت اقتصادی خوب، ۵۶/۳ درصد (۵۴ نفر) و ۴۹/۴ درصد (۴۳ نفر) وضعیت اقتصادی متوسط، و ۳۳/۳ درصد (۳۲ نفر) و ۶/۹ درصد (۶ نفر) وضعیت اقتصادی ضعیف را گزارش کردند.

۸۱/۲ درصد (۷۸ نفر) از آزمودنی‌های بزهکار دارای سابقه ی اشتغال بودند که ۵۴/۱ درصد (۵۲ نفر) از آن‌ها در مشاغل کاذب فعالیت داشتند. این درصدها برای گروه بهنجار به ترتیب ۴۰/۲ درصد (۳۵ نفر) و ۳۴/۵ درصد (۳۰ نفر) بودند. در رابطه با سابقه ی محکومیت قبلی نیز ۸۱/۲ درصد (۱۸ نفر) از آزمودنی‌های گروه بزهکار گزارش کردند که دارای سابقه ی محکومیت قبلی هستند. خصوصیات آزمودنی‌های بزهکار از نظر نوع جرم ارتكابی نیز در جدول ۱ آمده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود، سرقت با ۴۴/۸ درصد بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.

به‌منظور پاسخ‌گویی به مسأله ی مطرح شده در پژوهش حاضر، ابتدا دو گروه از نظر ساختار خانواده بررسی شدند. از مجموع ۹۶ نوجوان بزهکار ۵۱ درصد (۴۹ نفر) به خانواده‌های گسسته تعلق داشتند و در گروه بهنجار نیز ۴/۶ درصد (۴ نفر) در خانواده‌های گسسته زندگی می‌کردند. برای مقایسه ی دو گروه از نظر ساختار خانواده از آزمون خی‌دو استفاده شد که نتایج آن در جدول ۲ آمده است. نتایج به‌دست آمده نشان داد که بین دو گروه نوجوانان بزهکار و بهنجار از نظر متغیر ساختار خانواده تفاوت معنی‌داری وجود دارد ( $p < 0.01$ ). نتایج مقایسه ی دو گروه از نظر متغیرهای سوءمصرف سیگار، الکل و مواد مخدر، سابقه ی اشتغال، سابقه ی محکومیت والدین و اعتیاد والدین نیز در جدول ۲ آمده است.

و میزان تحصیلات آن‌ها، مدت زمان حضور در کانون، تعداد افراد خانواده، وضعیت سرپرستی، وضعیت اقتصادی، سابقه ی اشتغال، نوع جرم مرتکب شده و سابقه ی محکومیت قبلی، سابقه محکومیت و اعتیاد پدر و مادر و محل سکونت آنها بود. برای مشخص شدن ساختار خانواده آنها نیز سؤالاتی در مورد طلاق والدین، مرگ والدین و نظایر آن مطرح شده است.

روش اجرای پژوهش برای گروه بزهکار به این صورت بود که پس از مراجعه به کانون اصلاح و تربیت، پرسشنامه‌ها توسط محقق برای هریک از نوجوانان بزهکار تکمیل گردید. برای گروه بهنجار نیز پس از مراجعه به مناطقی از جنوب و مرکز تهران و همچنین کرج، پرسشنامه‌ها تکمیل شدند. این مناطق با توجه به محل سکونت گروه بزهکار انتخاب شدند. داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS و روش‌های آماری خی‌دو، آزمون آماری t برای گروه‌های مستقل و ضریب همبستگی پیرسون تحلیل شدند.

### یافته‌ها

گروه نمونه ی پژوهش شامل ۹۶ نوجوان بزهکار و ۸۷ نوجوان بهنجار بود. از مجموع ۹۶ آزمودنی بهنجار شرکت کننده در پژوهش ۵ نفر به علت تکمیل نادرست پرسشنامه‌ها و ۴ نفر به دلیل داشتن سابقه ی محکومیت، حذف شدند و بنابراین حجم گروه بهنجار در نهایت به ۸۷ نفر کاهش یافت. میانگین و انحراف استاندارد سن دو گروه، برابر با ۱۶/۹۷ و ۰/۸۴ برای گروه بزهکار و ۱۶/۵۲ و ۱/۲۲ برای گروه بهنجار بود. حداقل و حد اکثر سن آزمودنی‌ها در هر دو گروه ۱۴ و ۱۸ سال بود. برای متغیر سطح تحصیلات نیز میانگین و انحراف استاندارد به ترتیب ۷/۶۷ و ۲/۳۱ برای بزهکاران و ۹/۷۸ و ۱/۶۵ برای آزمودنی‌های بهنجار بود.

در رابطه با متغیر وضعیت اقتصادی نیز آزمودنی‌های هر گروه به چهار دسته تقسیم شدند. ۱۹/۵ درصد (۱۷ نفر) از آزمودنی‌های بهنجار مورد مطالعه، وضعیت اقتصادی مرفه را گزارش کردند. همچنین به ترتیب در گروه‌های بزهکار و بهنجار ۱۰/۴ درصد (۱۰ نفر) و ۳۶/۸ درصد (۳۲ نفر)



جدول ۲. شاخص‌های آماری آزمون مجذور خی برای مقایسه دو گروه بزهکار و بهنجار

| متغیر                | بزهکار |         | بهنجار |         | خی دو    |
|----------------------|--------|---------|--------|---------|----------|
|                      | درصد   | فراوانی | درصد   | فراوانی |          |
| ساختار خانواده گسسته | ۴۹     | ۵۱      | ۴      | ۴/۶     | ۴۷/۸۵*** |
| سوء مصرف سیگار       | ۴۳     | ۴۴/۸    | ۱۱     | ۱۲/۶    | ۲۲/۶۸*** |
| سوء مصرف الکل        | ۴۹     | ۵۱      | ۱۲     | ۱۳/۸    | ۲۸/۴۹*** |
| سوء مصرف مواد        | ۲۷     | ۲۸/۱    | ۵      | ۵/۷     | ۱۵/۸۴*** |
| سابقه اشتغال         | ۷۸     | ۸۱/۲    | ۳۵     | ۳۵/۲    | ۳۲/۵۱*** |
| سابقه محکومیت والدین | ۲۱     | ۲۱/۸    | ۹      | ۱۰/۳    | ۴/۸۰     |
| اعتیاد والدین        | ۳۰     | ۳۱/۲    | ۳      | ۳/۴     | ۲۷/۳۰*** |

\*\*\*p<./۰۰۱

جدول ۳. نتایج آزمون t مستقل گروه‌های بزهکار و بهنجار از لحاظ متغیرهای نظارت والدین و همنشینی با همسالان بزهکار

| نوع عامل                  | گروه‌ها | حجم نمونه | میانگین | انحراف استاندارد | درجه آزادی | T    | P     |
|---------------------------|---------|-----------|---------|------------------|------------|------|-------|
| نظارت والدین              | بزهکار  | ۹۶        | ۱۲/۰۹   | ۵/۱۸             | ۱۷۳/۹۳     | ۲/۰۱ | ./۰۴۶ |
|                           | بهنجار  | ۸۷        | ۱۳/۴۴   | ۳/۸۱             |            |      |       |
| همنشینی با همسالان بزهکار | بزهکار  | ۹۶        | ۱۲/۷۷   | ۸/۷۷             | ۱۸۰        | ۵/۲۹ | ./۰۰۱ |
|                           | بهنجار  | ۸۷        | ۶/۸۴    | ۶/۲۵             |            |      |       |

جدول ۴. نتایج آزمون t مستقل گروه‌های پیوسته و گسسته از لحاظ متغیرهای نظارت والدین

| نوع عامل                  | گروه‌ها        | حجم نمونه | میانگین | انحراف استاندارد | درجه آزادی | T      | p     |
|---------------------------|----------------|-----------|---------|------------------|------------|--------|-------|
| نظارت والدین              | کل نوجوانان    | ۱۳۳       | ۱۳/۲۰   | ۴/۱۱             | ۷۷/۷۸      | ۲/۴۷۵  | ./۰۱۶ |
|                           | خانواده پیوسته | ۵۴        | ۱۱/۱۳   | ۵/۵۵             |            |        |       |
| نوجوانان بزهکار           | خانواده پیوسته | ۴۷        | ۱۳/۲۸   | ۴/۴۷             | ۹۴         | ۲/۲۳۷  | ./۰۲۸ |
|                           | خانواده گسسته  | ۴۹        | ۱۰/۹۶   | ۵/۵۹             |            |        |       |
| همنشینی با همسالان بزهکار | کل نوجوانان    | ۱۳۳       | ۸/۵۰    | ۷/۲۰             | ۷۸/۲۸      | -۳/۷۵۲ | ./۰۰۱ |
|                           | خانواده پیوسته | ۵۳        | ۱۳/۸۱   | ۹/۲۶             |            |        |       |

همان‌طور که نتایج نشان می‌دهد، بین این گروه‌ها از نظر نظارت والدین تفاوت معنی‌داری وجود داشت. در این جدول همچنین نتایج مقایسه‌ی همنشینی با همسالان بزهکار در دو گروه نوجوانان دارای خانواده‌های گسسته و خانواده‌های پیوسته آمده است که نشان می‌دهد این تفاوت معنی‌دار بوده است.

جهت بررسی ارتباط بین متغیرهای نظارت والدین و همنشینی با همسالان بزهکار نیز همبستگی بین آنها به دست آمد. با توجه به ضریب همبستگی پیرسون به دست آمده می‌توان گفت بین این دو متغیر رابطه‌ی منفی معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون لون برای بررسی تساوی واریانس‌ها نیز

برای مقایسه‌ی میزان نظارت والدین و همنشینی با همسالان بزهکار در دو گروه بزهکار و بهنجار از آزمون T برای گروه‌های مستقل استفاده شد (جدول ۳). نتایج این مقایسه نشان‌دهنده‌ی معنی‌دار بودن تفاوت دو گروه از نظر نظارت والدین و همنشینی با همسالان بزهکار بود. نتایج آزمون لون برای بررسی تساوی واریانس‌ها نیز نشان داد این مفروضه در متغیر نظارت والدین برقرار نیست.

به‌منظور بررسی تفاوت بین نوجوانان خانواده‌های گسسته و خانواده‌های پیوسته از آزمون T برای گروه‌های مستقل استفاده شد. این مقایسه در مورد کل نوجوانان و نیز برای نوجوانان بزهکار صورت گرفت که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.



رومرو و روئیز (۲۰۰۷) و کالدول و همکاران (۲۰۰۶) همخوان است که در پژوهش‌های خود گزارش کرده‌اند نظارت والدین در خانواده‌های بزهکار کمتر از نوجوانان بهنجار است.

همچنین همسو با یافته‌های برندگان و همکاران (۲۰۰۰)، پاسکال و همکاران (۲۰۰۳) و ملدرا و همکاران (۲۰۰۹)، در این پژوهش نیز همنشینی با همسالان بزهکار در گروه بزهکار بیش از گروه بهنجار بود. چنان‌که ذکر شد، همنشینی با همسالان بزهکار ضمن این‌که با بزهکاری نوجوانان رابطه دارد، با ساختار خانواده (پاسکال و همکاران، ۲۰۰۳) و نظارت والدین (برندگان و همکاران، ۲۰۰۰؛ برانت، ۲۰۰۶) نیز ارتباطی متقابل دارد.

از سوی دیگر بین نوجوانانی که متعلق به خانواده‌های گسسته و پیوسته بودند از نظر نظارت والدین تفاوت معنی‌داری مشاهده شد که این یافته نیز همسو با سایر پژوهش‌ها است (دی‌موث و براون، ۲۰۰۴؛ دهقانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ شوماخر، ۲۰۰۹؛ شوماخر، ۲۰۱۰). همچنین نظارت والدین و همنشینی با همسالان بزهکار نیز دارای رابطه‌ی معنی‌داری بودند که نتایج پژوهش‌های برندگان و همکاران (۲۰۰۰)، و برانت (۲۰۰۶) را تأیید می‌کند. همچنین مشاهده شد سوءمصرف سیگار، مواد مخدر و الکل در نوجوانان بزهکار بیش از نوجوانان بهنجار است و دو گروه از نظر اعتیاد و سابقه‌ی محکومیت والدین نیز با هم تفاوت داشتند. لذا توجه به این متغیرها نیز در تفسیر یافته‌های پژوهش حاضر ضروری است.

لازم به ذکر است که پژوهش‌های انجام شده نشان داده‌اند برنامه‌هایی در پیشگیری و درمان بزهکاری مؤثر هستند که عوامل زمینه‌ساز بزهکاری را مورد توجه قرار دهند. برای مثال هوگ و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) رویکردهای مختلف پیشگیری و درمان بزهکاری را مطرح کرده‌اند و به تشریح نقش روانشناس، روانپزشک و مددکار اجتماعی در این فرایند پرداخته‌اند.

این مطالعه با محدودیت‌هایی روبرو بود که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سطح پایین سواد

نشان داد برای کل نوجوانان مورد بررسی این مفروضه در متغیر نظارت والدین و همنشینی با همسالان برقرار نیست.

### بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه‌ی ساختار خانواده، نظارت والدین و همنشینی با همسالان بزهکار در دو گروه نوجوانان بزهکار و بهنجار انجام شد. در زمینه‌ی ساختار خانواده نتایج این پژوهش همسو با یافته‌های پیرس و هاین (۲۰۰۴)، ثرونبری و کرون (۲۰۰۳)، دی‌موث و براون (۲۰۰۴)، دهقانی و همکاران (۱۳۸۷)، پاسکال و همکاران (۲۰۰۳)، ایتل (۲۰۰۶)، زیمرمان (۲۰۰۶) و چنگیزی (۱۳۸۱) است که در پژوهش‌های خود عنوان کرده‌اند گسستگی ساختار خانواده بین نوجوانان بزهکار بیش از نوجوانان عادی به چشم می‌خورد.

در تفسیر این یافته باید به این نکته توجه کرد که هرچند بزهکاری با جدایی و طلاق در خانواده همبستگی دارد، با این حال مطالعه‌ی آلستروم و هاویگهاربست<sup>۱</sup> (۱۹۸۱، بیابانگرد، ۱۳۸۴) نشان داده است بروز بزهکاری در خانواده‌های پیوسته‌ای که در آن‌ها کشمکش عاطفی شدید بین والدین وجود دارد، بالاتر از خانواده‌های تک‌والدی است که روابط گرم و صمیمانه‌ای بین والد و کودک وجود دارد. لذا باید توجه کرد که بزهکاری در فرزندان خانواده‌های گسسته می‌تواند نتیجه تعارضاتی باشد که پیش از گسستگی خانواده وجود داشته‌اند. از سوی دیگر تحقیقات انجام شده نشان داده‌اند که گسستگی ساختار خانواده می‌تواند پیامدهایی مثل فقر (کوپوسوف و همکاران، ۲۰۰۶)، کاهش نظارت والدین (دی‌موث و براون، ۲۰۰۴؛ دهقانی و همکاران، ۱۳۸۷؛ شوماخر، ۲۰۰۹؛ شوماخر، ۲۰۱۰) و همنشینی با همسالان بزهکار (پاسکال و همکاران، ۲۰۰۳) را به دنبال داشته باشد و از این راه نیز تأثیر خود را بر بزهکاری نوجوانان اعمال کند.

در رابطه با نظارت والدین نیز نتایج پژوهش حاضر با یافته‌های پژوهش‌های برندگان و همکاران<sup>۲</sup>،

<sup>2</sup>. Hoge et al.

<sup>1</sup>. Alstrum and Hawigharbest



## منابع

- Aliverdina, A., Riahi, M. E., Mousavi Chashmi, S. M. (2007). A sociological study of delinquency: an empirical test of Agnew's general strain theory. *Iranian Journal of Sociology*, 8(2), 83-111. [In Persian]
- Biabangard, E. (2005). *Juvenile psychology*. Tehran; Nashr Farhange Eslami Press. [In Persian]
- Brandt, D. (2006). *Delinquency, development, and social policy*. 1<sup>st</sup> ed. Connecticut: Yale University Press.
- Brendgen, M., Vitaro, F., Bukowski, W. M. (2000). Stability and variability of adolescents' affiliation with delinquent friends: predictors and consequences. *Social development*, 9(2), 205-225.
- Caldwell, R. M., Beutler, L. E., Ross, S. A., Silver, N. C. (2006). Brief report: An examination of the relationships between parental monitoring, self-esteem and delinquency among Mexican American male adolescents. *Journal of Adolescence*, 29, 459-464.
- Changizi, L. (2007). An investigation of effects of divorce on girls' delinquency among 14-18 year old adolescents in Ahvaz. MA Thesis. Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation. [In Persian]
- Cohen, Bruce. (2007). *Introduction to Sociology*. Tehran: Samt Press. [In Persian]
- Crosnoe, R., Erickson, K. G., Dornbusch, S. M. (2004). Protective functions of family relationships and school factors on the deviant behavior of adolescent boys and girls. Reducing the impact of risky friendships. *Youth and Society*, 33, 515-544.
- Dehghani, M., Roushan, M., Ganjavi, A. (2008). An investigation on insufficient forensic psychology assessment of juveniles in correction service center. *Journal of Family Research*, 4(14), 167-178. [In Persian]
- Demuth, S., & Brown, S. L. (2004). Family structure, family processes, and adolescent delinquency: the significance of parental absence versus parental gender. *Journal of research in crime and delinquency*, 41(1), 58-81.
- DiClemente, R. J., Wingood, G. M., Crosby, R., Sionean, C., Cobb, B. K., Harington, K., Davies, S., Hook, E. W., Oh, M. K. (2001). Parental monitoring: Association with adolescents' risk behaviors. *Pediatrics*, 107(6), 1363-1368.
- Eitle, D. (2006). Parental gender, single-parent families, and delinquency: Exploring the moderating influence of race/ethnicity. *Social Science Research*, 35, 727-748.
- Heilbrun, K., Goldstein, N. E. S., Redding, R. E. (2005). *Juvenile Delinquency: Prevention, Assessment and Intervention*. 1<sup>st</sup> ed. New York: Oxford University Press.
- Hoge, R. D., Guerra, N. G., Boxer, P. (2008). *Treating the juvenile offender*. 1<sup>st</sup> ed. New York: The

آزمودنی‌های بزهکار اشاره کرد، به‌گونه‌ای که تحصیلات بیش از ۶۱ درصد (۵۹ نفر) آن‌ها در سطح راهنمایی و پایین‌تر بود. از دیگر محدودیت‌های پژوهش می‌توان به عدم نمونه‌گیری تصادفی، عدم بررسی بزهکاران دختر و خودگزارشی بودن پرسشنامه‌ها اشاره کرد.

در مجموع یافته‌های مطالعه‌ی حاضر نشان‌دهنده این مسأله بود که آشفتگی در ساختار خانواده، نظارت ضعیف والدین و همنشینی با همسالان بزهکار نقشی مهم در پدیده‌ی بزهکاری دارند. این مطالعه همچنین نقش متغیرهایی مثل نظارت والدین و همنشینی با همسالان بزهکار را مورد توجه قرار داد که در ادبیات پژوهشی داخلی در زمینه‌ی بزهکاری، اعتیاد و سایر آسیب‌های اجتماعی توجه چندانی به آن‌ها نشده است. یافته‌های حاضر ضرورت توجه متخصصان به این عوامل را خاطر نشان می‌سازد.

نتایج حاضر ضرورت توجه به نقش عوامل خانوادگی در بزهکاری نوجوانان را مورد تأکید قرار می‌دهد. به این خاطر که بزهکاری نوجوانان با عوامل متعددی چون فقر و حاشیه‌نشینی در ارتباط است، توجه به تعداد معدودی از متغیرها می‌تواند موجب تفسیرهای نادرست شده و استفاده از نتایج پژوهش‌ها را دشوار سازد. لذا در چنین پژوهش‌هایی می‌بایست نتایج مشاهده شده را با در نظر گرفتن تمامی تبیین‌های جایگزین تعبیر و تفسیر کرد. با انجام این پژوهش‌ها و مجموعه‌ای از اقدامات و خدمات روانی - اجتماعی، می‌توان امیدوار بود که کاهش قابل ملاحظه‌ای در بزهکاری نوجوانان و پیامدهای زیان‌بار آن شاهد باشیم.

## تقدیر و تشکر

نویسندگان بدین‌وسیله قدردانی خود را از زحمات مسئولین و کارکنان محترم کانون اصلاح و تربیت تهران و کلیه‌ی نوجوانانی که ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، اعلام می‌دارند.





- ed. Maryland: Rowman & Littlefield Publishers.
- Shoemaker, D. J. (2010). *Theories of Delinquency: An Examination of Explanations of Delinquent Behavior*. 6<sup>th</sup> ed. New York: Oxford University Press.
- Singer, M. I., Flannery, D. J., Guo, S., Miller, D., Leibbrandt, S. (2004). Exposure to violence, parental monitoring, and television viewing as contributors to children's psychological trauma. *Journal of Community Psychology*, 32, 489-504.
- Snyder, H. N., & Sickmund, M. (2006). *Juvenile offenders and victims: national report*. Washington, DC: U.S. Department of justice: Office of juvenile justice and delinquency prevention.
- Thornberry, T. P., & Krohn, M. D. (2003). *Taking stock of delinquency: An overview of findings from contemporary longitudinal studies*. 1<sup>st</sup> Ed. New York: Kluwer Academic Publishers.
- Zahn, M. A. (2009). *The Delinquent Girl*. 1<sup>st</sup> ed. Philadelphia: Temple University Press.
- Zimmermann, G. (2006). Delinquency in male adolescents: The role of Alexithymia and family structure. *Journal of Adolescence*, 29, 321-332.
- Guilford Press.
- Jost, G. F. (2003). *Juvenile delinquency in Japan: Reconsidering the Crisis*. 1<sup>st</sup> ed. Boston: Brill's Japanese studies library.
- Koposov, R. P., Rushkin, V. V., Eisemann, M., Sidorov, P. I. (2006). Alcohol abuse in Russian delinquent adolescents: Associations with comorbid psychopathology, personality and parenting. *European Child & Adolescent Psychiatry*, 14(5), 254-261.
- Laird, R. D., Pettit, G. S., Bates, J. E., Dodge, K. A. (2003). Parents' Monitoring-Relevant Knowledge and Adolescents' Delinquent Behavior: Evidence of Correlated Developmental Changes and Reciprocal Influences. *Child Development*, 74(3), 752-768.
- Lotfabadi, H. (2005). *Developmental Psychology: Adolescence, Youth and Adulthood*. Tehran: Samt Press. [In Persian]
- Marte, R. M. (2008). *Adolescent Problem Behaviors: Delinquency, Aggression, and Drug Use*. 1<sup>st</sup> ed. New York: LFB Scholarly Publishing.
- McShane, M. D., & Williams, F. P. (2007). *Youth Violence and Delinquency: Monsters and Myths*. 1<sup>st</sup> ed. London: PRAEGER publishers.
- Meldrum, R. C., Young, J. T. N., Weerman, F. M. (2009). Reconsidering the Effect of Self-Control and Delinquent Peers: Implications of Measurement for Theoretical Significance. *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 46(3), 353-376.
- Naghdi, A. A. (1998). *An investigation of factors influencing juvenile delinquency in Kermanshah*. MA Thesis. Tehran: Allameh Tabatabaei University. [In Persian]
- Nas, C. N., DeCastro, B. O., Koops, W. (2005). Social Information Processing in delinquent adolescents. *Psychology, Crime & Law*, 11(4), 363-375.
- Nazoktabar, H., Zahedi, M. J., Nayebi, H. (2006). The role of religiosity in preventing juvenile delinquency in Tehran. *Journal of Social Welfare*, 6(22), 233-257. [In Persian]
- Paschal, M. J., Ringwalt, C. L., Flewelling, R. L. (2003). Effects of parenting, father absence, and affiliation with delinquent peers on delinquent behavior among African- American male adolescents. *Adolescence*, 38(149), 15-34.
- Pearce, L. D., & Haynie, D. L. (2004). Intergenerational Religious Dynamics and Adolescent Delinquency. *Social Forces*, 82(4), 1553-1572.
- Queen, W. H. (2004). *Family Solutions for Youth at Risk: Applications to Juvenile Delinquency, Truancy, and Behavior Problems*. 1<sup>st</sup> ed. New York: Brunner-Routledge.
- Romero, A. J., & Ruiz, M. (2007). Does Familism Lead to Increased Parental Monitoring?: Protective factors for Coping with Risky Behaviors. *Journal of Child and Family Studies*, 16, 143-154.
- Shoemaker, D. J. (2009). *Juvenile Delinquency*. 1<sup>st</sup>